

## رویکردهای پلیس در پیشگیری انتظامی از جرم

بهروز لاله ماژین<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۶/۰۸

### چکیده

نیروی پلیس در هر جامعه‌ای دارای ساختار خاصی است که با وظایف و کارکردهای آن مطابق و هماهنگ است. برای تحقق آن کارکردها از برنامه‌ها و رویکردهای متفاوتی استفاده می‌نماید. پلیس به عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش سازماندهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی می‌باشد. یکی از اقدامات مؤثر در راستای تحقق این وظیفه، پیشگیری انتظامی از جرم است.

رویکرد پیشگیری انتظامی به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیات خود از قبیل کنشی، نظم‌مدار و شهروندمدار بودن از طریق به‌کارگیری ساختارها، کارکردها و آموزش‌های سنتی پلیس قابل تحقق نیست، بلکه دستیابی به آن مستلزم استفاده از کارکردهای جدید و با آموزش‌های تخصصی مدرن است.

جهت تحقق این نوع از پیشگیری، پلیس بایستی رویکردهای جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند، زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی توسط پلیس است. حال آنکه وظایف سنتی پلیس عمدتاً در برگزیده اقدامات واکنشی در جهت کشف و تعقیب مجرمین است.

پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. در پیشگیری انتظامی، دولت و نهادهای مسئول مهم‌ترین نقش را در برقراری و حفظ امنیت دارند و حوزه کاری آن‌ها در چهارچوب قانون است.

در این مقاله که با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و با مراجعه به کتاب‌ها، منابع و سایت‌های اینترنتی تهیه گردیده است، ابتدا مفهوم پلیس و تاریخچه‌ای از پیدایش این نهاد در ایران ارائه و سپس تعریف پیشگیری انتظامی (پلیسی)، انواع آن و در پایان به مبانی و رویکردهای پلیس در پیشگیری انتظامی پرداخته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** پیشگیری انتظام از جرم، پیشگیری فعال، پیشگیری وضعی، پلیس مدرن، رویکرد جامعه محوری

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر (نویسنده مسئول)  
Email: behrozlaleh59@yahoo.com

در تمام جهان کارشناسان در مورد انواع بحران‌ها، جلوگیری از بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را مد نظر قرار می‌دهند و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف سعی دارند که به طریق علمی، قبل از اینکه مشکلات حادی به وجود آید از آن جلوگیری کنند. لذا برخورد با جرائم نیز از این قاعده مستثنی نبوده و کاملاً روشن است، که پیشگیری از جرائم به مراتب برای پلیس چه از نظر اقتصادی، زمانی و به‌کارگیری نیرو، باصرفه‌تر از برخورد با مجرمین پس از ارتکاب جرم می‌باشد.

امروزه پدیده بزه‌کاری در جامعه به عنوان دغدغه اصلی همه کسانی است که به نوعی با بزه در ارتباط هستند. نهادهای عدالت کیفری؛ پلیس، مقامات قضایی، مقامات زندان و مقامات اجرایی و تقنینی دائماً نگرانی خویش را از خطرات افزایش بزه اعلان می‌نمایند. همه در تلاش‌اند تا به نوعی آمار جرم کاهش یابد یا حداقل افزایش نیابد، ولی همه نگاه‌ها به سمت پلیس نشانه رفته است.

پدیده بزه‌کاری، مشکلی عام و فراگیر بوده و پلیس ناگزیر از حل این مشکل است. این وضعیت انکارناپذیر باید در رأس برنامه‌های پلیسی قرار بگیرد که مقابله با بزه‌کاری مستلزم همکاری و تعامل سازنده همه نهادها و بهره‌گیری از ظرفیت حداکثری جامعه است. خط مقدم مقابله با بزه‌کاری بر عهده پلیس قرار گرفته و انتظارات از او دائماً در حال افزایش است. مردم نیز تحت تأثیر فضای عمومی، توقعات روزافزونی از پلیس دارند. پلیس هر چه بیشتر تلاش می‌کند، انتظارات از او افزایش می‌یابد. با این وضعیت پلیس ناگزیر به بازنگری در نحوه عملکرد به منظور شناسایی نیازهای نوین خویش است. جهت پیشگیری از جرائم بایستی رویکردهای جدیدی و متناسب با پیشرفت‌های جامعه در تمام سطوح اتخاذ نماید.

در عصری که زندگی می‌کنیم، با تحولات زیادی در عرصه‌های مختلف مواجه هستیم که پیامدهای متنوع این تحولات بر چگونگی کارکرد سازمان پلیس تأثیر زیادی دارد. از جمله این تحولات، تغییرات در سبک و رویکرد حاکم بر نظام پلیس در پیشگیری از جرائم است. (قهرمانی، ۹۵:۱۳۹۲)

طی دو دهه گذشته، سازمان‌های پلیس تحولاتی اساسی را پشت سر نهاده‌اند. بسیاری از سازمان‌های پلیس به تدریج غیرنظامی شده‌اند. برخی دیگر از نیروهای پلیس غیرمتمرکز شده‌اند تا بیشتر در دسترس بوده و کارایی داشته باشند، درحالی‌که سایرین رویکردهای جدیدی را برای پاسخ به الزامات و انتظارات عمومی و انجام تغییرات پایدار در شرایط ایجاد جرم و ناامنی را در پیش گرفته‌اند.

برای کمک به توسعه شهرها و محله‌ها، خیلی مهم است که تعادلی بین نقش سنتی سرکوبگرانه و نقش جدید پیشگیرانه پلیس برقرار شود. مأموریت پلیس باید به طور ویژه‌ای بیان شود زیرا هدف آن، کاهش جرم به جای کنترل صرف جرم در عین احترام به حقوق بشر است. (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

### مفهوم‌شناسی پلیس

پلیس واژه‌ای فرانسوی است و معنای مختلفی را در بر می‌گیرد. معنی لغوی پلیس، نظم و انتظام بخشیدن است و در زبان حقوقی گذشته، به اوامر و دستوراتی که اهداف جامعه را تحقق می‌بخشیدند اطلاق می‌شد. در واقع مفهوم پلیس معادل سازمان و نظام کشوری تلقی می‌شد و در همین راستا نیز عبارت کشور انتظام یافته به کار برده می‌شد. (اداره حقوقی فرماندهی انتظامی استان سمنان، ۱۳۸۸: ۶)

در فارسی هم به معنی نظم، انتظام، اداره شهربانی، پاسبان شهربانی و گاهی به معنای اداره شهربانی استعمال می‌شود. (عمید، ۱۳۸۱: ۳۸۲)

با توجه به گستردگی مفهوم واژه پلیس، در کشورهای گوناگون تعاریف متنوعی از پلیس بیان شده است. ماکس وبر<sup>۲</sup> جامعه‌شناس مشهور آلمانی پلیس را جلوه قدرت مشروع و عقلانیت ابزاری دیوان سالاری دولت برای استقرار نظم و امنیت در جامعه می‌داند. (شاکری، ۱۳۸۱: ۲۳)

در جامعه آمریکا، پلیس به عنوان سازمانی شناخته شده که به منظور برقراری نظم و امنیت، جلوگیری از وقوع جرم، کشف جرم، دستگیری مجرمین و اجرای مجازات ایجاد شده است. (انصاری، ۱۳۸۰: ۲۰)

در ایران نیز واژه پلیس در مورد سازمان‌های شهربانی و ژاندارمری سابق استفاده شده و با ادغام سازمان‌های سابق و تشکیل نیروی انتظامی، این لفظ در مورد سازمان اخیرالذکر به کار برده می‌شود. با توجه به تشکیلات جدید پلیس در ایران، تعریف زیر از پلیس قابل ارائه است:

نیروی انتظامی سازمانی است مسلح که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم، امنیت و تأمین آسایش عمومی، فردی و نگهبانی، پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است. (این تعریف از مواد ۲ و ۳ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۶ اقتباس شده است)

بررسی و تحقیق در مورد وظایف پلیس و کارکرد آن مستلزم ارائه تاریخچه‌ای از پیدایش نهاد پلیس در جوامع سنتی و مدرن است. بنابراین در این قسمت به ترتیب به پیشینه تاریخی پلیس، پیدایش پلیس مدرن و پلیس در ایران پرداخته می‌شود. (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۵: ۲۵)

### پیشینه تاریخی پلیس

واژه پلیس در افکار عمومی همواره به عنوان ضابط قضایی نقش بسته است و با مأموریت کشف جرم همراه بوده و تاکنون، پلیس تنها به عنوان ابزار سیاست‌های کیفری -واکنشی- مورد استفاده قرار گرفته است؛ به بیان دیگر نقش پلیس به طور سنتی فقط در چهارچوب نظام کیفری تعریف می‌شود. این در حالی است که اصولاً پیدایش نهاد پلیس در جوامع انسانی تنها جهت کشف و سرکوبی جرائم نبوده است. بلکه مأموریت نخستین پلیس همانا حفظ نظم و انضباط در سطح جوامع بوده که به تدریج و در گذار زمان این نقش اولیه به دست فراموشی سپرده شده و به نقش‌های کیفری و سرکوبگرانه پلیس بیشتر توجه شده است .

پیدایش نهاد پلیس در جوامع آنگلوساکسون روند مذکور را تأیید می‌کند؛ زیرا آنان مزارع خود را در اطراف دهکده‌های خودگردان، که حفظ نظم آنجا را خود بر عهده داشتند، ایجاد می‌کردند. این ترتیب غیررسمی در زمان شاه آلفرد کبیر (۸۴۹-۸۹۹ میلادی) سازماندهی بهتری پیدا کرد. وی حکم کرد که هر مرد برای بر عهده گرفتن حفاظت و نظم «ده خانوار» ثبت‌نام کند. رسمی که آن را نظام عشریه یا ده یک می‌نامیدند. این نظام تا سال ۱۰۶۶ میلادی کارایی خوبی داشت. در آن سال ویلیام فاتح<sup>۳</sup> که نگران امنیت ملی بود نظام عشریه «حکومت ملی» را به نظامی مشتمل بر پنجاه و پنج منطقه نظامی، هر یک به سرپرستی یک کلانتر منطقه، تبدیل کرد. در قرن هفدهم، وظایف اجرای قوانین به دو واحد مجزا، نگهبانی روز و شب تقسیم شده بود؛ نگهبانان از میان افراد عادی انتخاب می‌شدند و حقوق‌بگیر نبودند. در پایان قرن هجدهم، اغلب افراد متمکن به دیگران پول می‌دادند تا به جای آن‌ها نگهبانی بدهند و این، آغاز کار نیروی پلیس حقوق‌بگیر و در عمل ریشه نگهبانی محله بود .

بنابراین سیر تحولات پلیس سنتی به خوبی روشن می‌سازد که هدف نخستین از پیدایش این نهاد، حفظ نظم بوده و کارکنان آن نیز از میان مردم عادی انتخاب می‌شدند؛ البته غیرحرفه‌ای بودن افراد نگهبان و گسترش بزه‌کاری در سطح شهرهای لندن و نیویورک باعث ایجاد زمینه‌های پیدایش پلیس مدرن شد .

---

3- Wiliam Fateh

## پیدایش پلیس مدرن

اداره امور پلیسی به شکل پیشرفته با تشکیل پلیس شهری لندن که سر رابرت پیل<sup>۴</sup> در سال ۱۸۲۹ آن را بنیان‌گذاری کرد، آغاز شد؛ در زمانی که نیروی پلیس در کلان‌شهر لندن مستقر شده بود، در ایالات‌متحده هنوز هم شیوه نگهبانی شب و روز، مشابه شیوه سابق در انگلستان رایج بود. در دهه ۱۹۳۰ چند شهر بزرگ، سیستم‌های نگهبانی روزانه حقوق‌بگیر به وجود آوردند که البته وظایف نخستین آن‌ها، بیشتر شامل کمک و خدمت به افراد جامعه بود. مثلاً پلیس در نیویورک میان فقراء، زغال‌سنگ توزیع می‌کرد، مراقب سلامت شهروندان آسیب‌پذیر بود، مأمور پیگیری مجازات تعلیقی و آزادی مشروط بود و به تأسیس زمین‌های بازی کودکان شهر کمک می‌کرد. به هر حال اداره امور پلیسی در ایالات‌متحده دارای دوره‌های مختلفی است که بررسی آن‌ها می‌تواند نقش عمده‌ای در تحلیل وظایف کنونی پلیس داشته باشد.

## نیروی پلیس در ایران

### پلیس پیش از انقلاب

در سال‌های پیش از انقلاب؛ پلیس عمدتاً از الگوی اقتدارگرایی جهت سرکوب و حفظ امنیت استفاده می‌نمود؛ در این دوره نوعی اقتدارگرایی همراه با نوعی حرفه‌گرایی در عملکرد پلیس وجود داشت و امنیت برآمده از صرف اقتدار و حاکمیت پلیسی بود و تعامل نظام‌مندی میان پلیس و افراد اجتماعی وجود نداشت؛ افزون بر این در نیروی پلیس صرف‌نظر از اقدامات پراکنده و موقتی، رویکرد منسجمی در خصوص پیشگیری از جرم شکل نگرفت.

### پلیس پس از انقلاب

پس از انقلاب، همزمان با کم‌رنگ‌شدن خصیصه حرفه‌گرایی در پلیس بر ابعاد مشارکت‌پذیری نیروی پلیس تأکید گردید. این روند هر چند به بعد تخصصی پلیس لطمه جدی وارد می‌کرد ولی از آنجا که اقبال بسیاری در جامعه، پشتوانه پلیس مردمی بود؛ لذا در سال‌های پس از انقلاب فقدان حرفه‌گرایی لطمه چندانی به کارکرد پلیس وارد نکرد. با این حال با گذشت چندین سال پشتوانه مردمی و مشارکتی پلیس ایران ضعیف شد و بر ابعاد حرفه‌گرایی آن تأکید گردید؛ که تأسیس پلیس ۱۱۰ یکی از مصادیق آن است.

### وظایف پلیس

امروزه پلیس با وجود سازمان یکپارچه، به شکل یکپارچه و واحد عمل نمی‌کند. بلکه دارای سه مأموریت و کارکرد اصلی است که منطق عملکرد آن‌ها یکسان نیست.

---

4- Ser Rabert Pil

## پلیس حاکمیت

این پلیس از لحاظ تاریخی و به طور تنگاتنگ با پیدایش دولت‌های مدرن و پیشرفته مرتبط است. پلیس حاکمیت در مرحله اول از دولت و نهادهای آن حمایت و پشتیبانی کرده و به عنوان ابراز کنترل و مهار خشونت‌های جمعی تلقی می‌شود. در مرحله بعد این پلیس ابراز دفاع از میراث ملی است (پلیس اطلاعات). پلیس مزبور همچنین ابزاری برای حفظ و کنترل قلمرو حاکمیت دولت بوده و به عنوان پلیس مرزها یا نظارت‌کننده بر ورود اتباع خارجی از آن یاد می‌شود. سیاست‌های مربوط به این نوع پلیس عبارتند از :

الف- سازوکار حمایت از نظم عمومی از طریق مقابله با شکل‌های مختلف خشونت‌های شهری  
پلیس حاکمیت با ایجاد نیروهای ضد شورش نقش مؤثری در مهار خشونت‌ها و شورش‌های شهری ایفا می‌کند .

ب- سازوکار استفاده از سرویس‌های اطلاعاتی جهت نظارت و کنترل برای پیشگیری از تروریسم  
پلیس حاکمیت می‌تواند از طریق به‌کارگیری مأمورین ویژه جهت تحصیل اطلاعات در مورد گروه‌های تروریستی اقدام نماید و بدین ترتیب نقش مؤثری در کشف و خنثی‌سازی طرح‌های تروریستی ایفاء کند .

پ- مدیریت و کنترل جریان رفت‌وآمدهای بین مرزی  
پلیس حاکمیت عهده‌دار حفاظت و حراست از تمامیت قلمروی حاکمیت دولت است. فلذا سرمایه‌گذاری وسیعی در زمینه مبارزه با ورود غیرقانونی اتباع بیگانه قلمرو کشور می‌نماید. (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران)

## پلیس قضایی

مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه این پلیس در زمینه بزه‌کاری حرفه‌ای و پس از ارتکاب جرائم است. این پلیس یک نوع کارشناس مسائل قضایی است که به کشف و تعقیب مجرمین کمک می‌نماید. در کشورهای متمدن پلیس قضایی بدنه اصلی ضابطین دادگستری را تشکیل می‌دهد .

## پلیس روزمره (پلیس شهری)

وظیفه اصلی پلیس شهری، ایجاد آرامش و آسایش عمومی و کمک به مردم است. این پلیس به نسبت بیشتری درگیر ناهمگونی، نابسامانی و آسیب‌پذیری اجتماعی است؛ و نخستین پلیسی است که با بی‌نظمی‌های کوچک شهری، بزه‌کاری‌های کوچک و متوسط و برخی رفتارهای ناهنجار درگیر می‌شود. دولت مرکزی متأسفانه ارزش کاری چنین پلیسی را بالا نمی‌برد و به آن ارج نمی‌نهد و

حال آنکه این پلیس روز مره است که نظم را حفظ می‌کند و از این رو نیاز بیشتری به سیاست، برنامه‌ریزی و مدیریت دارد تا بتواند آسایش عمومی را تأمین کند. (همان منبع)

### پیشگیری انتظامی<sup>۵</sup>

وجود نقاط ضعف و تزلزل در هر جامعه‌ای، احساس امنیت خاطر را از سوی مردم خدشه‌دار می‌سازد. از آن جایی که گروهی از افراد ناسالم جامعه، رفتاری خلاف روال عادی و در تعارض با ارزش‌های اجتماعی دارند و به فراخور اندیشه و نیت خود، شرایط ضعف، تزلزل و بی‌ثباتی در بخش‌هایی از جامعه را فراهم می‌آورند، به همین دلیل به منظور جلوگیری از ناامنی و همچنین افزایش ضریب امنیت اجتماعی، دولت‌ها و نهادهای مسئول درصدد کنترل و کاهش جرائم از طریق اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرائم برآمدند. پلیس و دستگاه انتظامی یکی از متولیان در راستای امنیت عمومی است که عمده وظیفه آن پیشگیری انتظامی می‌باشد. جهت تحقق آن، بایستی رویکرد جدیدی را نسبت به وظایف سنتی خود اتخاذ کند، زیرا پیشگیری انتظامی عمدتاً مبتنی بر تدابیر و اقدامات کنشی - پیش‌جنایی - توسط پلیس است و حال آنکه وظایف سنتی پلیس عمدتاً در برگزیده اقدامات واکنشی - پس‌جنایی - در جهت کشف و تعقیب مجرمین است.

پیشگیری انتظامی عبارت است از: « مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی نظیر: افزایش گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چهارچوب قانون. همچنین، بررسی روند بزه‌کاری و علل وقوع آن به منظور اتخاذ تدابیر مقابله با مجرم و انجام اقدامات فوری در امر مبارزه با بزه‌کاری و جرائم و همکاری با ارگان‌های مسئول در زمینه کاهش جرائم».

پیشگیری انتظامی از آن جهت حائز اهمیت است که حافظ نظم و امنیت اجتماعی است. در پیشگیری انتظامی، دولت و نهادهای مسئول مهم‌ترین نقش را در برقراری و حفظ امنیت دارند و حوزه کاری آن‌ها در چهارچوب قانون است. (کاو، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۰)

### انواع پیشگیری انتظامی (پلیسی)

#### پیشگیری فعال<sup>۶</sup>

در این نوع از پیشگیری، نیروی پلیس محور اصلی پیشگیری است که برای اجتناب و دوری از وقوع جرائم وارد عمل می‌شود و در سطح اجتماعی نیز فعال است. یعنی پلیس برنامه‌ریزی و هدایت اوقات فراغت گروهی از جوانان را به عهده می‌گیرد که در معرض جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی قرار دارند. در این میان، نهادهای بازدارنده از جرم یا انحراف در زمان و مکان خاصی

---

5- Disciplinary Prevention

6- Active Prevention

قرار دارند. نقش این نهادها نیز بسیار مشهود است. در پیشگیری فعال، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای جلوگیری از بزه‌کاری و کاهش آن مد نظر قرار دارد. مسئولان دولتی نیز هر یک به فراخور وظیفه اجتماعی خود، نقش عمده‌ای دارند و اقدام‌های مستقلی را انجام می‌دهند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۹ و ۲۸).

### **پیشگیری کیفی**

اصولاً پیشگیری به معنای خاص از جرم کار نیروی انتظامی نبوده و امری متعلق به سازمان‌های دیگر اجتماعی اعم از دولتی و غیر بوده است مگر آنکه پیشگیری را صرفاً سرکوب مجرم فعلی برای عبرت مجرمان احتمالی بدانیم اگرچه کارشناسان نیروی انتظامی می‌توانند در مشاوره به نهادهای تخصصی ای که به منظور پیشگیری از جرم فعالیت می‌کنند حضور داشته و مشاوره دهند، اما به طور کلی نیروی انتظامی عرفاً و عقلاً نیرویی است که در همه جا برای تأمین امنیت از طریق برخورد سخت وارد صحنه می‌شود. نکته این است که در کشورهای توسعه یافته پلیس برای اینکه از کوری و همه‌گیری برخورد سخت پلیس حتی‌الامکان جلوگیری شود مواردی رعایت می‌گردد که به اجمال می‌توان آن را چنین بیان کرد:

**اولا** برخورد در پایان یک روند قضایی به شدت کارشناسی شده صورت می‌گیرد و چون در حدود متعارف قانونی انجام می‌شود کانالیزه شده و در حد امکان شدت برخورد متناسب با میزان جرم و توانایی مجرم تنظیم می‌شود.

**ثانیا** نیروی پلیس از مصونیت نظارت و اعمال قانون بر اعضا و عملکرد خود مصون نبوده و اتفاقاً بخش عمده‌ای از مباحث مربوط به پیشگیری در نظارت‌های نهادهای مدنی و دولت بر نیروی قهریه معنا می‌یابد. چرا که مشخصاً عملکرد غیرقانونی یا بسیار سخت‌گیرانه پلیس خود از موارد به شدت جرم‌زا محسوب می‌شود.

**ثالثا** ترکیب تجهیزات به اضافه آموزش بی‌وقفه‌ای که همراه با سختگیری در جذب افراد به عنوان نیروی پلیس اعمال می‌شود.

### **پیشگیری غیر کیفی**

این نوع پیشگیری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گردد یعنی توسل به اقدام‌های غیر سرکوبگر و غیرقهرآمیز که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی، آموزشی و... هستند به منظور جامعه پذیر و قانون‌گرا ساختن افراد و حفاظت از آماج‌های جرم جهت جلوگیری از وقوع جرم می‌باشد.



## پیشگیری غیر کیفری خود به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم شده‌اند:

### پیشگیری وضعی<sup>۷</sup>

پیشگیری وضعی در برگیرنده مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی، از ارتکاب جرم جلوگیری می‌کند. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزه‌کاران و بخشی نیز بر حفاظت از بزه دیدگان متمرکز یافته است.

پیشگیری وضعی به عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزه‌کاری نخستین بار در دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط کلارک، کورنیش و هی هیور<sup>۸</sup> مطرح شد. آنان در آثار خود همواره به اتخاذ تدابیر مناسب و به‌کارگیری اقدامات لازم به منظور کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که موجب رفتار بزهکارانه می‌شود و همچنین تغییر رابطه بین بزه‌کار و بزه دیده تأکید کرده‌اند (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۱۰۰ و ۹۹).

این روش، شیوه‌ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزه‌کاری و بزه دیدگی و یا تغییر شرایط محیطی مانند: زمان و مکان در صدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند. در این روش، گاهی فرد در معرض بزه دیدگی مدنظر قرار گرفته و با حمایت از او یا آن چه در معرض وقوع جرم است، از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می‌شود. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از: مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می‌شود.

پیشگیری وضعی شامل: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مداربسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل: تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب‌ناپذیر بوده و یا رفع آن‌ها هزینه‌های غیرقابل‌تحملی را تحمیل می‌کند، می‌باشد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزه‌کار، نوع جرم، اهداف و موضوع‌های جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرآیند آن‌ها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم، با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه شدن اعمال مجرمانه می‌شود، همراه است. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و

7- Situational Prevention

8-Clark•Cornish and Hihour

اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آن‌ها، به دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید. بنابراین پیش‌بینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند.

استفاده از رویکرد پیشگیری (پلیسی) انتظامی در تحقق اهداف پیشگیری وضعی را می‌توان مبتنی بر این اندیشه دانست که حضور نیروی پلیس به عنوان یک نهاد رسمی و دارای قوه قهر آمیز نقش مهمی را در برآیند حاصل از محاسبه سود و زیان در ذهن بزه‌کاران احتمالی ایفاء نماید .

بزه‌کاران احتمالی همواره پیش از ارتکاب جرم اقدام به محاسبه و ارزیابی میزان منافع و سود حاصل از جرم در مقابل خطرات و هزینه‌های آن می‌کنند. یکی از هزینه‌های سنگین ناشی از ارتکاب جرم از دید بزه‌کاران احتمالی همانا دستگیری توسط نیروی پلیس و ورود به فرایند کیفری است. حال اگر نیروی پلیس به اعمال نظارت دقیق و علمی بر جامعه و اماکن جرم‌زا بپردازد، این امر باعث افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم از دید بزه‌کاران احتمالی گردیده، فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود نموده و از ارتکاب جرائم پیشگیری می‌نماید .

بنابراین یکی از مبانی پیشگیری (پلیسی) انتظامی، کاهش موقعیت‌های ارتکاب جرم با افزایش هزینه‌های ارتکاب آن، از طریق اعمال نظارت بر جامعه و اماکن جرم‌زا توسط نیروی پلیس است. علاوه بر این، استفاده از رویکرد پیشگیری انتظامی در تحقق اهداف پیشگیری وضعی را می‌تواند مبتنی بر این نظریه نیز دانست که؛ نه تنها جرم باعث ایجاد بی‌نظمی در جامعه است بلکه وجود بی‌نظمی در جامعه نیز می‌تواند منجر به ارتکاب جرم گردد. اگر در یک جامعه بی‌نظمی، آشفتگی و هرج‌ومرج حاکم گردد، از یک سو این تصور ایجاد می‌شود که هیچ‌گونه کنترل رسمی بر جامعه وجود ندارد و به راحتی می‌توان مرتکب جرم گردید و از سوی دیگر وجود بی‌نظمی خود می‌تواند ایجادکننده فرصت‌های ارتکاب جرم گردد؛ بدین ترتیب که بزه‌کاران احتمالی از عدم نظارت و کنترل رسمی بر جامعه سوء استفاده نموده، به ارتکاب جرم می‌پردازند .

بنابراین از آنجا که یکی از شیوه‌های مقابله با احساس بی‌نظمی، تقویت مظاهر دولتی و رسمی در جامعه است و چون پلیس یکی از مصادیق بارز مظاهر دولت و حاکمیت در جامعه است، می‌توان با تقویت حضور این نهاد در جهت حفظ نظم و امنیت در جامعه حرکت کرد .

### **پیشگیری اجتماعی**

امروزه نیروی پلیس در کشورهای پیشرفته، دوره اقتدارگرایی خود را پشت سر نهاده و وارد دوره جامعه‌گرایی شده، در این دوره پلیس در جهت برقراری یک رابطه نزدیک با افراد جامعه حرکت می‌نماید، از این رو نیروی پلیس تعامل نزدیکی با افراد جامعه دارد؛ به آموزش و آگاه‌سازی آنان

می‌پردازد و ایشان را در حل و فصل منازعات و اختلافات محلی یاری می‌دهد. طبق این رویکرد، پلیس بایستی همواره در دسترس مردم، هم‌جوار با مردم و در تماس مستقیم و مستمر با شهروندان و مسائل آنان باشد.

پلیس می‌تواند با آگاهی از واقعیت‌های جامعه‌شناختی اقدام به برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از جرم نماید. راهبرد اساسی پلیس، مشورت و رایزنی منظم و نظام‌مند با جامعه و تشکل‌های مردمی و اتخاذ تدابیر مناسب محلی برای پیشگیری از جرم در محله‌های جرم‌زا است.

بنابراین نقش پلیس در پیشگیری از جرم تنها به تحقق اهداف پیشگیری وضعی نظیر نظارت بر اماکن جرم‌زا، تقویت آماج جرم و حفظ نظم منحصر نمی‌گردد. بلکه امروزه با پیدایش دوره جامعه‌گرایی و مفهوم پلیس محلی، بر نقش این نهاد رسمی در تحقق اهداف پیشگیری اجتماعی اعم از آموزش، آگاه‌سازی و میانجیگری در اختلافات محلی تأکید گردیده است.

البته آنچه باید به عنوان روح کلی پیشگیری انتظامی در تمامی مراحل مورد توجه قرار گیرد این نکته است که تأکید بیش از حد و غیرعلمی بر حضور مظاهر حاکمیت - از قبیل پلیس - در جامعه، خود می‌تواند منجر به افزایش احساس ترس از جرم در میان شهروندان گردد و این امر باعث افزایش احساس ناامنی و در نهایت افزایش نرخ بزه‌کاری می‌گردد.

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تأثیر می‌گذارد. در این نوع پیشگیری سعی می‌شود بر شخصیت افراد جامعه از طریق نهادهای اجتماعی تأثیر گذاشته شود تا افراد جامعه طوری تربیت شوند که از ارتکاب هر نوع جرمی اجتناب کنند و تمرکز بر سالم‌سازی محیط اجتماعی است. این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید در حقیقت پیشگیری اجتماعی به طور مستقیماً غیرمستقیم هدف تأثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازماندهی فعالیت خود، حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند. (معظمی، ۱۳۸۶، ص ۹۳)

### **پیشگیری اجتماعی به دو نوع تقسیم می‌شود:**

#### **پیشگیری اجتماعی جامعه محور**

منظور از پیشگیری جامعه مدار آن است که اگر در محیط، عوامل جرم‌زا وجود داشت آن‌ها را خنثی می‌کنیم و منظور از پیشگیری رشد مدار آن است که اگر طفل به دلیلی از خود مظاهر بزه‌کاری نشان داد، با مداخله زودرس بر وی و محیط پیرامون وی، جلوی مزمن شدن بزه‌کاری را در آینده بگیریم.

## پیشگیری اجتماعی رشد مدار

پیشگیری رشد مدار به دلیل اهمیت دوران رشد طفل و نقش محیط در پیشگیری از بزه‌کاری، از ارزش زیادی برخوردار است. در پیشگیری اجتماعی جامعه مدار در خصوص ایجاد تغییر در محیط‌های اجتماعی که مستعد بروز جرم هستند اقدامات و راه‌حل‌های زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- برقراری وسایط نقلیه عمومی ۲- ایجاد کلانتری ۳- تأسیس مدارس جدید ۴- اقدامات عمرانی از قبیل: بهبود فضای سبز، ایجاد پارک‌ها، مرمت ساختمان‌ها و ترمیم آن‌ها ۵- ایجاد شهرداری‌ها ۶- ایجاد اشتغال صنعتی در محله، بدیهی است تخریب محله‌های بدنام و جرم‌خیز نوعی پیشگیری وضعی است اما ایجاد اصلاح در آن از نوع پیشگیری اجتماعی محسوب می‌شود. پیشگیری اجتماعی رشد مدار نشان می‌دهد که مداخله به هنگام و به موقع درباره کسانی که به خاطر وضعیت خانوادگی در معرض ارتکاب جرم هستند، می‌تواند جلوی بزه‌کاری و تمایلات مجرمانه را در آن‌ها بگیرد.

در پیشگیری رشد مدار در دوره‌های مختلف رشد جسمانی و عقلانی یک سلسله اقدامات مناسب صورت می‌گیرد تا در آینده طفل مرتکب جرم نشود. البته این اقدامات بلندمدت ممکن است حدود 2 سال بعد جواب دهد. پیشگیری رشد مدار دو خصیصه عمده دارد:

۱- مداخله زودرس نسبت به طفل، خانواده و مدرسه.  
۲- این نوع پیشگیری جنبه تربیتی دارد که در آن اختلالات رفتاری و درونی طفل هدف قرار می‌گیرد.

آنچه در پیشگیری رشد مدار ملاک است آموزش مهارت‌های اجتماعی به طفل و والدین اوست.

### برخی از اقدامات پلیس در راستای پیشگیری اجتماعی

تعامل با مراکز دولتی با هدف شناسایی در برقرار ارتباط با آن مراکز و سازمان‌های وابسته و استفاده از توانمندی‌های بالقوه و بالفعل آن‌ها در راستای ماموریت‌های مشارکتی ناجا از طریق:

(الف) ساماندهی رابطین مراکز دولتی.

(ب) برگزاری همایش‌های تخصصی.

(پ) برگزاری نمایشگاه‌های عمومی

(ت) تنظیم تفاهم‌نامه‌های همکاری با سازماندهی دولتی.

(ث) اجرای طرح‌های مشارکتی با همیاری سازمان‌ها.

(ج) طرح تقدیر از نخبگان و افراد موثر در کنترل اجتماعی.

چ) تعامل با تشکل‌های غیردولتی ( هیئت‌های مذهبی ، بسیج ، موسسات خیریه و... )  
ح) مشارکت با اقشار اجتماعی ( معلمان ، اصناف، دانش آموزان ، دانشجویان و... )  
خ) ایجاد مراکز مشاوره و مددکاری و ارائه مشاوره‌های روان‌شناختی و انتظامی.  
د) فرهنگ‌سازی و ارائه آموزش‌های همگانی و ساخت و تولید فیلم سینمایی ، مستند و انیمیشن  
ذ) اطلاع‌رسانی دقیق و تاکتیکی از اقدامات پلیس.

### **مبانی پیشگیری انتظامی**

پیشگیری انتظامی مبتنی بر قابلیت‌های نیروی پلیس در تحقق اهداف پیشگیری از جرم است؛ به عبارت دیگر مبانی پیشگیری انتظامی، اختیارات و توانایی‌های نیروی پلیس در پیشگیری از جرم در جامعه است. زیرا نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند نقش بسزایی در کاهش نرخ جرائم خواه پیش از وقوع جرم و خواه پس از وقوع آن داشته باشد .

از آنجا که پیشگیری از جرم اصولاً مبتنی بر دو شیوه است؛ یکی پیشگیری کیفری و دیگری پیشگیری غیر کیفری، بررسی مبانی پیشگیری انتظامی مستلزم تبیین این مطلب است که پیشگیری انتظامی چگونه و تا چه میزان می‌تواند در جهت تحقق اهداف پیشگیری کیفری و غیر کیفری مؤثر باشد. افزون بر این تحقق اهداف پیشگیری کیفری و غیر کیفری توسط پلیس و در نهایت تحقق اهداف پیشگیری انتظامی منوط به تبیین و استفاده از رویکردهای جدیدی در نیروی پلیس است که بسترهای لازم برای شکل‌گیری یک راهبرد مبتنی بر پیشگیری انتظامی را در نیروی پلیس فراهم سازد .

در این قسمت ابتدا به چگونگی تحقق اهداف پیشگیری کیفری و پیشگیری غیر کیفری از طریق اعمال پیشگیری انتظامی پرداخته می‌شود و سپس رویکردهای جدید پلیس در پیشگیری انتظامی مورد بررسی قرار می‌گیرد .

### **تحقق اهداف پیشگیری کیفری**

نهادهای عدالت کیفری با قطعیت، حتمیت، سرعت و دقت در انجام وظایف خود می‌توانند از تکرار جرائم پیشگیری نمایند، همچنین وجود تخصص در این‌گونه نهادها موجب افزایش میزان دقت و سرعت در عملکرد آن‌هاست. از این رو پلیس که یکی از نهادهای عدالت کیفری است با دقت و سرعت در عملکرد خود می‌تواند نقش بسزایی در پیشگیری از تکرار جرم داشته باشد .

امروزه لزوم کنترل و مداخله در بحران‌ها از سوی پلیس تنها از دیدگاه وظایف سنتی پلیس از طریق کشف و سرکوب جرائم توجیه نمی‌شود بلکه این امر مبتنی بر استفاده از رویکرد پیشگیری انتظامی است، زیرا وقوع بحران‌هایی نظیر گروگان‌گیری در صورت عدم کنترل و مهار می‌تواند منجر

به ارتکاب جرائمی گردد که هزینه‌های سنگینی را از حیث تلفات و آثار اجتماعی بر جامعه تحمیل می‌نماید. افزون بر این وجود پلیس تخصصی موسوم به پلیس قضایی در سایر کشورها مبتنی بر این اندیشه است که استفاده از نیروی تخصصی در مواجهه با پدیده جنایی می‌تواند منجر به پیشگیری از تکرار جرم شود، زیرا این پلیس، مهارت‌های لازم جهت رسیدگی سریع و دقیق به پدیده جنایی را داراست .

در مورد تحقق اهداف پیشگیری کیفری توسط نیروی پلیس، شناسایی و پرهیز از رویه‌های پلیسی جرم‌زا در مواجهه با متهمین بسیار مهم است ، زیرا نیروی پلیس گاه در برخورد با متهمین بی‌گناه به برجسب‌زنی و تحریک آنان به ورود به عالم بزه‌کاری می‌پردازد .

### **محقق اهداف پیشگیری غیر کیفری**

پیشگیری غیر کیفری از جرم اصولاً مبتنی بر دو شیوه معمول است؛ پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی. در پیشگیری اجتماعی با تمرکز بر روی شخصیت مجرم و محیط اجتماعی وی در جهت کاهش زمینه‌های فردی و اجتماعی گرایش به بزه‌کاری حرکت می‌شود و حال آنکه پیشگیری وضعی از رهگذر محدود نمودن فرصت‌های ارتکاب جرم در صدد ایجاد موانع فیزیکی و روان‌شناختی در مقابل پدیده جنایی است .

رویکرد پیشگیری انتظامی هم می‌تواند در جهت تحقق اهداف پیشگیری اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و هم در جهت تحقق اهداف پیشگیری وضعی؛ اما رویکرد مذکور به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیات که دارد، بیشتر از جنبه پیشگیری وضعی مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا نیروی پلیس به عنوان یکی از مظاهر حاکمیت، به صورت تخصصی دارای وظیفه نظارت و کنترل بر جامعه است، در واقع نیروی پلیس ابزارها و اختیارات لازم را جهت محدود نمودن فرصت‌های ارتکاب جرم داراست و به عنوان مثال می‌تواند با نظارت بر اماکن جرم‌زا به افزایش هزینه ارتکاب جرم و پیشگیری از جرم مبادرت نماید. البته تأکید بر وجود ابعاد و جنبه‌های پیشگیری وضعی در نیروی پلیس به معنای نفی جنبه‌های پیشگیری اجتماعی در آن نیست بلکه نیروی پلیس با پذیرش رویکرد جامعه‌گرایی می‌تواند نقش بسزایی در تحقق اهداف پیشگیری اجتماعی داشته باشد .

### **رویکردهای (جدید) پلیس در پیشگیری انتظامی**

تحقق اهداف پیشگیری انتظامی مستلزم استفاده نیروی پلیس از رویکردهای جدید انتظامی که با رویکردهای کلاسیک متفاوت‌اند است؛ زیرا اهداف پیشگیری انتظامی تنها با پیش‌بینی وظایف پیشگیرانه برای نیروی پلیس محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر نیروی پلیس نمی‌تواند با پیروی از رویکردهای سابق درصدد تحقق اهداف پیشگیرانه برآید . (باصری، ۱۳۸۵: ۸)

## رویکرد کاهش بازار جرم

رویکرد کاهش بازار در پیشگیری از جرم بر کاهش بازار اموال مسروقه از طریق پیشگیری از عرضه و تقاضا برای اموال مسروقه تمرکز می‌کند. این رویکرد بر این منطق استوار است که بدون وجود یک بازار فعال، آب کردن اموال مسروقه برای بزه‌کار دشوار، خطرناک و بی‌فایده می‌شود. (Crime Prevention Fact Sheet D, 2007, p1)

رویکرد کاهش بازار جرم، چهار راهبرد زیر را شامل می‌شود:

### الف) شناسایی محصولات داغ

شناسایی محصولاتی که بیش‌ترین جذابیت را برای بزه‌کاران دارند، جامعه را قادر به انتخاب در باره خرید کالای امن می‌سازد. همچنین دانستن اینکه چه محصولاتی داغ است، پلیس را قادر به شناسایی بازارهای خرید و فروش آن‌ها، موقعیت بالقوه بازارهای مذکور و اینکه چه کسانی به خرید و فروش اموال در یک بازار اقدام می‌کنند، خواهد کرد.

### ب) سخت کردن هدف

کم ارزش تر کردن یک محصول و آسان تر کردن دستیابی به آن، موجب کاهش مطلوبیت محصول مذکور برای خریداران بالقوه خواهد شد. سخت تر کردن هدف می‌تواند راهبردهایی مانند راهبردهای زیر را شامل شود:

نشانه‌گذاری اموال توسط صاحبان آن‌ها یا کارخانه‌ها، طراحی محصولات با ویژگی‌های خاص امنیتی، استفاده از هشداردهنده‌ها، قفل‌ها و سایر تجهیزات حفاظتی که از استفاده مجدد اموال مذکور جلوگیری می‌کند.

### ج) مبارزه با خرید و فروش اموال مسروقه

اغلب معلوم است که اموال مسروقه سرانجام سر از کجا در می‌آورند. با این حال تحقیقات، نقش نرده‌کشی مناطق تجاری یا مسکونی، بازارهای مکاره، خرید و فروش کنندگان مواد مخدر و کل جامعه را در ارائه مسیری برای آب کردن اموال مسروقه و حمایت در برابر پلیس، روشن کرده است. راهبردهایی مانند قاعده‌مند کردن و صدور مجوز برای خرید و فروش اموال دست دوم، تصویب مقررات مرتبط با خرید و فروش اموال مسروقه و مطلع ساختن خریداران از پی آمدهای خرید چنین اموالی برای تغییر سطح تقاضا اهمیت دارد.

### د) برنامه‌های آموزش عمومی

اعمال رویکرد کاهش بازار به پیشگیری از جرم می‌تواند در درازمدت با ایجاد درک بالاتر در میان جامعه در باره نقش مردم در تسهیل جرم، کمک کند. خرید و فروش اموال مسروقه یا بی‌توجهی

به خطر می‌تواند محرک جرم شود، اطمینان خاطر بزه‌کار را بالا برده و به رنج و ترس تجربه‌شده توسط بزه دیده بیافزاید. یک برنامه آموزش عمومی می‌تواند کسانی را که به رفتار مخاطره‌آمیز توجهی ندارند، را تشویق به مطلع شدن در باره نتایج خرید و فروش آگاهانهٔ اموال مسروقه نموده و به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. (همان منبع)

در پلیس سنتی نقش آموزشی پلیس در روابط این نهاد با افراد جامعه بسیار کم رنگ است. اما در رویکرد پیشگیرانه یکی از شیوه‌های مناسب برای آموزش روش‌های پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی به افراد جامعه، استفاده از نیروی پلیس به عنوان یک نهاد آموزشی است.

### **رویکرد جامعه محوری**

نیروهای پلیس به تنهایی نمی‌توانند روند جرم و بی‌نظمی را مهار کرده و کنترل اجتماعی را اعمال کنند؛ آن‌ها برای پیشگیری از جرم و حل مشکلات محلی، نیاز به همکاری و کمک گروه‌های اجتماعی و انجمن‌ها دارند.

پلیس باید کار خود را با ایجاد مشارکت فعال و درک کامل از ویژگی خاص هر محله از حیث جرم، بی‌نظمی‌های اجتماعی و بی‌نزاکتی‌ها آغاز کند. انجام این کار مستلزم مشورت و مشارکت فعال با ساکنین محل است.

برای تقویت مشارکت و بسیج عمومی، نیروهای پلیس باید هوشیاری عمومی را احیاء کرده، نگرش‌ها و رفتارهای پیش‌کنشی را رشد داده، انسجام اجتماعی را تقویت و به نیازهای مردم پاسخ دهند. در ارتباط با سازمان‌ها و برنامه‌های محلی (مانند مراقبت همسایگی، (پلیس نقش مهمی را در توسعه و اجرای این برنامه‌ها و کمک به جامعه برای حل مسائل مربوط به بزه‌کاری و رفتارهای انحرافی ایفا می‌کند.

تعامل بین پلیس و جامعه، فرصت مطلوبی را برای تقویت اعتماد و استفاده از متخصصین محلی برای حل مسائل اجتماعی، ایجاد می‌کند. این روند برای پلیس، روش جدیدی برای تفکر و تأمین امنیت روزمره است و بر درک و قبول اولویت‌های محلی تأکید دارد. (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

رویکرد پلیس جامعه محور با سه جزء اصلی به شرح زیر، تعریف شده است:

### **الف - دخالت دادن جامعه**

پلیس جامعه محور در یک بخش به عنوان تلاش‌هایی تعریف شده است که برای گسترش مشارکت بین اعضای جامعه و سازمان‌های مدنی صورت می‌گیرد. پلیس جامعه محور باید در زمان تعیین اولویت‌ها و انتخاب تاکتیک‌های خود جامعه را دخالت دهد.



در پیشگیری انتظامی سعی بر آن است که با به‌کارگیری شیوه‌های جلب مشارکت‌های مردمی از مشارکت‌های مردمی در ایجاد نظم و امنیت استفاده شود و حفظ نظم و امنیت از یک پدیده رسمی و آمرانه به یک پدیده مشارکت محور تبدیل شود.

### ب- مسئله محوری

پلیس جامعه محور همچنین شامل تغییر از گشت‌ها و تحقیقات واکنشی به رویکرد مسئله محور است. به طور مختصر، پلیس مسئله محور رویکردی برای تهیه راهبردهای کاهش جرم است. پلیس مسئله محور برجسته کردن اهمیت کشف وضعیت‌هایی است که موجب تماس شهروندان برای کمک از پلیس می‌شوند، یعنی شناسایی عللی که در پشت این وقایع وجود دارد و طراحی تاتیک‌هایی برای برخورد با این علل و عوامل.

### ج- تمرکززدایی

تمرکززدایی یک راهبرد سازمانی است که ارتباط نزدیکی با اجرای پلیس جامعه محور دارد. (براجر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷: ۱۷)

پیشرفت‌های ناشی از جهانی شدن، شهرنشینی و فن آوری هم فرصت‌ها و هم چالش‌ها را برای همه افراد مسئول پیشگیری از جرم افزایش داده است، به خصوص برای مأموران پلیس. در واقع هم دوره فرصت و هم دوره تهدید برای دولت‌ها، ادارات پلیس و مجریان امور است. همان‌گونه که شکل‌های جدید مشارکت برای پیشگیری از جرم ظاهر می‌شوند. به عنوان مثال مشارکت‌های بین نهادی، مشارکت بخش عمومی و بخش خصوصی و غیره، فن آوری‌های جدید به کار گرفته می‌شوند. (نقشه جرم، پراکندگی جغرافیایی جرم و غیره) و برنامه‌های گوناگون پیشگیری از جرم طراحی و اجرا می‌شوند مانند: پلیس محله، برنامه‌های فراگیر اجتماعی و غیره. (کاپوبیانکو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۷: ۴)

برخی از نقش‌هایی که پلیس می‌تواند در مشارکت‌های پیشگیری از جرم ایفا کند، عبارتند از: حضور مشهود در جامعه، انسجام بیشتر با جامعه، ارائه اطلاعات به جامعه، کمک به میانجی‌گری و حل مناقشه‌ها، حمایت از بزه دیدگان، ایفای نقش به عنوان مربی و الگو، و شرکت در مشارکت‌های محلی پیشگیری از جرم.

---

9- Brodeur  
10- Capobianco

## رویکرد حل مسئله

رویکرد حل مسئله در پیشگیری از جرم می‌تواند به عنوان یک رویکرد سیستمی به پیشگیری از جرم تعریف شود که شامل شناسایی و تحلیل جرم بالفعل یا بالقوه گردیده و منجر به اجرای تدابیری به منظور کاهش یا پیشگیری از جرم شود.

اعمال رویکرد حل مسئله در مورد یک جرم نخست با شناسایی جرم بالقوه یا بالفعل آغاز می‌شود. این شناسایی بر اساس گردآوری اطلاعات مختلف در مورد آمار جرم، اطلاعات وقایع‌نگاری و جزئیات ارائه‌شده توسط نهادهای ذی‌ربط محلی، ادارات و اعضای جامعه صورت می‌گیرد. سپس این اطلاعات برای درک بهتر مسائل مرتبط با جرم و شناسایی راهبردهای مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. پس از اجرای این راهبردها، که همچنین شامل یک مرحله نظارت می‌شود، یک ارزیابی برای تصمیم‌گیری در مورد میزان تاثیر راهبردهای اجراشده بر جرم و تعدیل راهبردها مورد نیاز است. (Crime Prevention Fact Sheet C, 2007,p1)

حل مسئله محدود به مسائل محلی و پروژه‌های کوچک نمی‌شود. انواع خاصی از جرم به عنوان مثال: شکستن حرز و ورود به منزل یا سرقت وسایل نقلیه و گروه‌های خاص مانند: قربانیان خشونت‌های خانوادگی می‌توانند با استفاده از رویکرد حل مسئله مورد هدف قرار گیرند. با جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات مرتبط و قابل‌اعتماد مربوط به جرم، راهبردهای مناسب پیشگیری قابل‌اعمال خواهند بود.

راهبرد حل مسئله در بر دارندهٔ مراحل زیر است: (براجر، پیشین: ۱۷)

۱- کسب آمار خاص محلی جرم و اطلاعات مرتبط با آن، از جمله اطلاعات وقایع‌نگاری؛

۲- تحلیل اطلاعات و تفسیر آن؛

۳- تعیین جایگاه اولویت‌ها در مسائل جرم، جمع‌آوری اطلاعات تکمیلی و شناسایی منابع قابل

حصول و راه‌های ممکن برای مداخله؛

۴- پیشنهاد راهبردهای ترکیبی پیشگیری برای هر مساله جرم؛

۵- اجرای راهبرد،

۶- نظارت و ارزیابی

پلیس مسئله محور سه اصل کلی را در بر می‌گیرد. اولین اصل که کاربردی است حاکی از آن است که جامعه پلیس را وادار می‌کند که با طیف وسیعی از مسائل سر و کار داشته باشد. اصل دوم که یک اصل هنجاری است، ادعا می‌کند که از پلیس انتظار می‌رود به جای آنکه به نحو ساده‌ای به حوادث واکنش نشان داده و اعمال قانون کند، مسائل را کاهش دهد. اصل سوم که یک اصل علمی است، بیانگر آن است که پلیس باید رویکردی علمی به مسائل داشته باشد. پلیس باید

رویکردهای تحلیلی تهیه، و مداخلاتش مبتنی بر نظریه‌های قابل قبول و مستندات باشد درست مانند تصمیم پزشکان که توقع می‌رود مبتنی بر علم پزشکی باشد. (همان منبع)

### رویکرد پلیسی شخص ثالث<sup>۱۱</sup>

رویکرد پلیسی شخص ثالث به عنوان تلاش‌های پلیس برای ترغیب یا اجبار سازمان‌ها یا اشخاص غیربزهکار، مانند ادارات مسکن عمومی، صاحبان اموال، والدین، بازرسان بهداشت و شهرسازی و صاحبان تجارت برای قبول مسئولیت در پیشگیری از جرم یا کاهش مسائل جرم، تعریف شده است. (براجر، پیشین: ۱۸)

### رویکرد پلیس فن آوری

امروزه، پلیس فن آوری بیشتر با مشهودترین عناصر خود شناخته شده است. این عناصر شامل موارد زیر است: به‌روزآوری اطلاعات رایانه‌ای در مورد جرم، تحلیل جرم، و تهیه نقش پیشرفته جرم به عنوان مبنایی برای نشست‌های راهبردی تعاملی، که مدیران را در مورد راهبردها و راه‌حل‌های خاص جرم در مناطق تحت مدیریتشان پاسخگو نگه می‌دارد. اما، فن آوری، محصول بسیار پیچیده‌ای از تحولات مدیریتی و ترتیبات سازمانی شامل: فشردگی سازمان، تمرکززدایی، اختیارات بیشتر برای کارکنان، صلاح‌دید و خودمختاری، پاسخگویی مدیریت محلی و افزایش مسئله محوری می‌باشد. فن آوری پلیسی نمی‌تواند موجود کاملاً قابل حیاتی باشد، در صورتی که فعالیت‌های اجرایی، مدیریتی و عملیاتی فوق قبل از آن وجود نداشته باشد. (همان منبع: ۱۹)

### رویکرد پلیس مبتنی بر اطلاعات

الگوی ملی اطلاعات، تصویری را ارائه می‌دهد که راهبردی مؤثر، نه تنها در مورد جرم و مجرمین بلکه برای تمام نیازهای ضابطین از جرائم سازمان‌یافته تا امنیت جاده را ارائه می‌دهد. این اطلاعات در رابطه با مسائل جدید یا بروز یافته در داخل یک سازمان پلیس یا یک بخش مستقل قابل استفاده می‌باشد؛ برای ارائه تمرکز راهبردی یا عملیاتی نیرو، برنامه ریزی مالی سازمان یا پلیس محل، این کار نتیجه اشتیاق به سروسامان دادن به اطلاعات در درون سازمان نیروی پلیس است. این الگو همچنین به رسمیت شناختن الزامات تحول مدیران پلیس است که سه نیاز خاص را بارز می‌سازد: برنامه ریزی و کار با همکاری سایر شرکاء برای تأمین امنیت اجتماعی، مدیریت اجرا و خطر، پاسخگو بودن در برابر بودجه.

الگوی ملی اطلاعات یک سیستم توسعه یافته و یک پایه برای مدیریت عملیات پلیس در انگلستان و ولز است. از نظر تاریخی بسیاری از شیوه‌های پلیسی بر اثر نیاز به پاسخ به تماس‌های

مردمی به پیش برده شده‌اند. الگوی اطلاعات ملی، الگوهای جرم را مشخص و پلیس را قادر به اتخاذ رویکرد اساسی برای حل مسئله می‌کند. که در این صورت، منابع می‌تواند به طور اثربخش در برابر شناخت دقیق از جرم و وقایع مجرمانه بکار گرفته شود.

الگوی ملی اطلاعات یک رویکرد مبتنی بر همکاری را به انجام امور پلیسی می‌دهد و بسیاری از راه‌حل‌های مسائل مشارکت سایر سازمان‌ها و اعضا را الزامی می‌سازد. در صورتی که مقارن با سایر سازمان‌های شریک مورد استفاده قرار گیرد، پلیس بیشتر تقویت می‌شود. به عنوان نمونه، فرایند انجام عملیات مشترک و همکاری، و هنگامی که پلیس از اطلاعات اجتماعی برای ارزیابی راهبردی استفاده می‌کند. (همان منبع: ۲۰-۲۱)

### رویکرد نظم مداری

در پیشگیری انتظامی، کارکرد پلیس تنها به کشف و سرکوب جرائم منحصر نمی‌شود، بلکه ایجاد نظم و جلوگیری از هرج و مرج‌ها و جرائم خرد نیز از وظایف پلیس محسوب می‌شود؛ زیرا پیشگیری انتظامی اساساً از یک رویکرد کنشی و پیش‌جنایی تبعیت می‌کند و از رهگذر برقراری نظم درصد ایجاد جامعه‌ای امن برمی‌آید.

### رویکرد شهروندمداری

پلیس سنتی با تأکید بر ایجاد امنیت در جهت تحقق یک جامعه «قلعه‌گونه» حرکت می‌کرد؛ اما اینک در مقابل امنیت‌مداری پلیس سنتی، رویکرد پیشگیرانه مدعی حفظ حقوق شهروندی و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی است. در این رویکرد با تأکید بر جنبه‌های کنشی نهاد پلیس؛ هدفی همچون حفظ امنیت به تدریج به حفظ نظم تبدیل شده و حقوق شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردیده است. در خصوص مبانی و منابع این رویکرد در نظام پلیسی ایران می‌توان به قانون حقوق شهروندی اشاره نمود.

### رویکرد پلیس مجاور و سرزمینی

الزام روزافزون به امنیت، مستلزم درگیر شدن بازیگران بیشتری در عرصه پیشگیری و تغییر در مکانیسم‌های تنظیمات اجتماعی است. در مورد پلیس، این تبدیل با تحول از پلیسی با مشروعیت متمرکز به پلیسی با مشروعیت اجتماعی صورت می‌گیرد و این امر نقشی راهبردی به شهرها و محله‌ها می‌دهد (گلیزال<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۴). این تدبیر منتج به تقسیم مسئولیت‌ها در فضای مدیریت هماهنگ امنیت در جامعه و مناطق خصوصی، می‌شود.

پلیس مجاور یا پلیس قابل دسترس با تعهد پیش کنشی، باید بخشی از هر سیاستی باشد که به منظور حل مشکلات محلی و توسعه مدیریت امنیت موثرتر از سطح محلی به بالا در پیش گرفته می‌شود. اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه یا امنیتی منسجم همراه با سیاست کلان تر توسعه جامعه شهری، باید تعادل بین پیشگیری و اعمال قانون را برقرار نماید.

این اندیشه‌های کلیدی در مورد اهداف نیروهای پلیس تثبیت شده است و جهت‌گیری چهار اصل اساسی از الگوی پلیس جامعه محور آنگلو ساکسون را جلوه گر می‌کند: توجه بیشتر به جامعه و توقعات امنیتی آن، مشارکت در سطح محلی، سازماندهی سرزمینی نیروهای پلیس در رابطه با مأموریت آن‌ها در پیشگیری از جرائم خرد و متوسط و گشت‌های محله‌ای به عنوان مدل برتر کارایی پلیس شهری. (ژانکوفسکی<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۴)

در وضعیت‌های تمرکززدایی شده‌ای مانند آنچه که در امریکای شمالی انجام شده است، مأمورین پلیس نقشی اساسی را در مدیریت موثر پلیس بر امنیت شهری ایفا می‌کنند، زیرا پلیس به عنوان یک سازمان پیشرو، به بهترین نحو ممکن به مهارت، تخصص و اطلاعات اساسی لازم برای اجرای سیاست‌های پیشگیری محلی و شهری تجهیز شده است.

### رویکرد پلیس اطمینان‌بخش<sup>۱۴</sup> (تجدید اعتماد)

پلیس مبتنی بر اطمینان آفرینی الگویی از پلیس محله‌ای است که به دنبال بهبود اعتماد عمومی به پلیس است. این الگو شامل جوامع محلی در شناسایی اولویت‌های مسائل جرم و بی‌نظمی در محله‌های آنان است تا پس از آن جامعه همراه با پلیس و سایر ادارات و شرکاء مورد برخورد قرار دهد.

پلیس اطمینان‌بخش به دنبال پر کردن شکاف بین شاخص‌های رو به بهبود خطر بزه دیدگی جنایی و شاخص‌های رو به تنزل اعتماد عمومی است.... از طریق جهت‌گیری این الگو بر "جرائم هشدار" ، حوادثی که به طور نامناسبی حس عمومی در مورد امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، پلیس اطمینان‌بخش تقریباً در حد ذاته "در شرف اندازه‌گیری" است. یک عملیات محوری شامل مأموران پلیس و نیروهای کمکی در همکاری با جامعه در سطح حوزه استحفاظی برای شناسایی علائم فیزیکی و اجتماعی مثبت، منفی و تلفیق موانع آسیب‌شناسی شده با اقدام برای از بین بردن مشکل. به عنوان نمونه خارج ساختن ماشین‌های اسقاطی رها شده از سطح محله‌ها. (براجر، پیشین: ۲)

13- Jankowski

14- Reassurance policing (RP)

## رویکرد پلیس مبتنی بر مدرک

در بررسی خصوصیات الگوی پلیسی مبتنی بر مدرک، نخست مهم است منظور خود از و اژه "مدرک" را تعریف کنیم. در این بخش منظور از مدرک مستندات علمی است نه مدرک به معنی دلایل کیفی. در قلب این نظریه این تفکر وجود دارد که هر یک از ما حق داریم نظرات خود را داشته باشیم اما نه بر پایه واقعیت‌های خودمان. در الگوی مدرک محور، منبع مدارک علمی تحقیقات تجربی به شکل ارزیابی‌های برنامه‌ها، تجارب و سیاست‌ها است. اما همه ارزیابی‌ها ارزش یکسانی ندارند. برخی از این ارزیابی‌ها از نظر علمی ارزشمندتر از بقیه هستند. انجام تحقیقات راندومی شایع‌ترین مدل در ارزیابی برنامه‌های پیشگیرانه است.

پلیس مبتنی بر مدرک بخشی از یک حرکت گسترده و روزافزون مدرک محور است. در عبارات کلی، این حرکت به بهبود جامعه از طریق استفاده از باکیفیت‌ترین مدارک برای تعیین کارهایی است که بیش‌ترین بهره‌وری را دارند. جنبش مدرک محور ابتدا در علم پزشکی آغاز شد و بعدها به علوم اجتماعی نیز تسری پیدا کرد. (همان: ۱۹)

## رویکرد پلیس نقاط پر جرم

ایده پلیس نقاط پر جرم می‌تواند از انتقادهای اخیر به نظریه سنتی جرم‌شناسی نشأت بگیرد. به دلیل آنکه اکثر جرم‌شناسان قرن گذشته بر برداشت خود از جرم بر اشخاص و جوامع، تمرکز کرده بودند، تاکید بر انگیزه مندی اشخاص در نظریه جرم شناختی موجب محرومیت از شناخت اهمیت سایر عناصر در تکوین جرم شد. آنان توجه کردند که برای وقوع جرائم فقط وجود شخص بزه‌کار کافی نیست، بلکه وجود یک آماج جرم مناسب و فقدان محافظین کارآمد لازم است. یکی از نتایج طبیعی این دیدگاه این بود که جاهای به خصوصی که جرم در آن‌ها واقع می‌شود، به کانون توجه محققین پیشگیری از جرم تبدیل شدند.

در امور پلیس، بسیاری از نوآوری‌ها با استفاده از الگوهای کلینیکی است. در چنین مدلی، تحقیقات نقشی بازی می‌کنند، اما قبول نوآوری از طریق تجارب مجریان اتخاذ می‌شود. این الگوها مبنای نظری ضعیفی دارند. پلیس مبتنی بر نقاط جرم خیز با پیشرفت‌های نظری در حوزه جرم‌شناسی سازگاری دارد و توسط تحقیقان زیربنایی جرم‌شناسی در مورد جرم و مکان، مورد پشتیبانی قرار گرفته است. (همان: ۱۸-۱۹)

## رویکرد دانایی محوری

رویکرد پیشگیری انتظامی با ارتقای سطح دانش پیشگیری از جرم در میان افراد نیروی پلیس و آموزش راهکارهای تخصصی پیشگیری از جرم به آن‌ها در جهت تحقق خصیصه دانایی محوری

حرکت می‌کند؛ این در حالی است که پلیس سنتی از رویکردهای قهر آمیز و قدرت محور استفاده می‌کرده است .

### **رویکرد رؤیت‌پذیری**

در رویکرد پیشگیرانه به حضور مظاهر دولت و حاکمیت در جامعه و نقش آن در حفظ نظم و امنیت تأکید می‌شود. از این رو نیروی پلیس با رؤیت‌پذیری در سطح جامعه از یک سو هزینه ارتکاب جرم را در نزد بزه‌کاران احتمالی بالا می‌برد و از سوی دیگر احساس ترس از جرم را در میان شهروندان جامعه کاهش می‌دهد.

### **رویکرد میانجی‌گری**

نهاد پلیس نه تنها بایستی پس از خاتمه درگیری‌ها و منازعات به عنوان ضابط قضایی مداخله نماید. بلکه این نهاد بایستی همچنین با حضور در میان افراد جامعه به حل و فصل درگیری‌ها و اختلافات بپردازد و نقش میانجیگری را به درستی ایفاء کند .

### **رویکرد سرعت‌پذیری و دقت در مداخله**

مداخله پلیس در بحران‌های اجتماعی یکی از راهکارهای کاهش تلفات و هزینه‌هاست. اما مداخله پلیس در بحران‌های اجتماعی باید مبتنی بر سرعت‌پذیری و دقت در تصمیمات باشد. زیرا کندی نیروهای پلیس و تصمیمات نادرست آن‌ها نه تنها باعث کاهش تلفات و هزینه‌ها نمی‌گردد بلکه می‌تواند منجر به افزایش اثرات و تبعات این‌گونه بحران‌ها گردد .

### **رویکرد تفکیک‌پذیری**

نیروی پلیس برای تحقق اهداف پیشگیرانه باید از یک سیاست افتراقی در مورد مخاطبان خود استفاده نماید؛ این سیاست افتراقی که در حوزه فعالیت‌های پلیسی اعمال می‌گردد و مبتنی بر یافته‌های جرم‌شناختی است؛ تحت عنوان سیاست افتراقی انتظامی مشخص می‌گردد. مطابق با سیاست افتراقی انتظامی، تخصص‌های لازم برای مواجهه با کودکان و نوجوانان و همچنین مهارت‌های لازم برای تعامل با زنان، متفاوت است از آنچه برای مردان، مناسب تلقی می‌شود . بنابراین تحقق اهداف پیشگیری کیفی و غیر کیفی توسط نیروی پلیس و در نهایت تحقق اهداف پیشگیری انتظامی منوط به اتخاذ رویکردهای جدید مبتنی بر پیشگیری به عنوان جایگزین‌های رویکرد سنتی در نیروی پلیس است :

- رویکرد نظم‌مداری، در مقابل امنیت‌مداری

- رویکرد مشارکت‌پذیری، در مقابل انحصارگرایی

- رویکرد شهروندمداری، در مقابل سرکوبگری

- رویکرد دانایی محوری، در مقابل قهر آمیزی و قدرت محوری
- رویکرد رؤیت‌پذیری، در مقابل اختفاء و کمین
- رویکرد میانجی‌گری، در مقابل انفعال‌گرایی
- رویکرد آموزش، در مقابل اجبار و تحمیل
- رویکرد سرعت‌پذیری و دقت، در مقابل کندی و شتاب‌زدگی
- رویکرد تفکیک‌پذیری، در مقابل عام‌مداری

### بحث و نتیجه‌گیری

با پیشرفت علم و تکنولوژی در عصر حاضر، شیوه و شگرد ارتکاب جرائم نیز از حالت سنتی و قدیمی خارج شده است و مجرمین، بزه‌کاران برای عملی نمودن مقاصد مجرمانه خود که همان دسترسی به هدف (قربانی جرم) و ارتکاب جرم است نیز از روش‌های نوینی بهره می‌گیرند. با توجه به این مطلب که بارزترین سازمان و نهاد در برخورد و پیشگیری از جرائم نیروی انتظامی (پلیس) است، همه مردم و نهادها، سازمان‌ها تأمین نظم و امنیت، برخورد با کج‌روی‌ها و جرائم را از وظایف پلیس می‌دانند. لذا جهت انجام این وظیفه خطیر که در قوانین جاری به طور متعدد به آن اشاره شده است، پلیس باید با استفاده از تجهیزات مدرن و ارایه راهکارهای علمی و عملی مقابله‌ای و پیشگیرانه متناسب با نیاز جامعه و در راستای تحولات ایجاد شده رویکردهای جدید و نوینی را اتخاذ نماید.

پلیس باید از حالت سنتی خود که بیشتر مبتنی بر رویکرد اقتدارگرایی صرف بود، خارج شود و به سمت و سویی حرکت نماید که علاوه بر حفظ اقتدار، خود را از جامعه و بر خواسته از بطن آن بداند. از مشارکت‌های شهروندان در مأموریت عظیم پیشگیری از جرائم استفاده بهینه نماید. از تجهیزات مدرن و روز دنیا، ضمن آموزش نیروهای تحت امر در جهت بالا بردن توان رزمی و سطح علمی آنان به منظور احصاء نیازهای جامعه و تدوین برنامه‌های پیشگیرانه بهره ببرد.

تعامل و همکاری مطلوبی با سایر نهادها از قبیل دانشگاه و سایر ادارات داشته باشد و آنان را جهت قبول مسئولیت پیشگیری از جرم یا کاهش آن ترغیب نماید. بی‌نظمی‌ها، جرائم، هرج‌ومرج‌ها را در محلات بر اساس اولویت‌بندی شناسایی و با ارایه راهکارها و برنامه مدون واحدهای گشت خود را در آنجا فعال کند، تا علاوه بر حضور در نقاط جرم‌خیز و کاهش جرم افراد جامعه با دیدن آنان احساس امنیت مضاعف و مجرمین احساس خطر نموده و هزینه ارتکاب جرم افزایش یابد.

سیاست چندگانه پلیس می‌توان راهگشای خوبی در پیشگیری انتظامی از جرائم باشد. به این نحو که با مجرمین و بزه‌کاران رفتاری قاطع، سرسخت و خشن توأم با رعایت کامل حقوق شهروندی داشته باشد و با بزه‌دیدگان و قربانیان جرم احساس همدردی و با ملامت رفتار نماید.



## منابع

### الف) فارسی

- ۱- انصاری، ولی الله، (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی (مطالعات تطبیقی)، سمت، تهران
- ۲- باصری، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مفهوم‌شناسی پلیس و وظایف آن؛ ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری انتظامی و امنیتی، سایت خبرگزاری دانشجویان ایران
- ۳- ترویانونیچ، رابرت، (۱۳۸۳)، پلیس جامعه محور، مترجم مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا تهران، انتشارات فرات
- ۴- دادبان، حسن، (۱۳۸۷)، بازدارندگی و نقش آن در پیشگیری از جرم، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
- ۵- رجبی پور، محمود، (۱۳۸۲)، درآمدی بر احساس امنیت در بستر امنیت عینی، فصلنامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره ۲، تهران، دانشگاه علوم انتظامی
- ۶- شاکری، سیدرضا، (۱۳۸۱)، پلیس، مردم، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، معاونت سیاسی، تهران
- ۷- عمید، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، امیر کبیر، چاپ بیست و چهارم
- ۸- قهرمانی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس جامعه محور، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۲۲، تهران، معاونت اجتماعی ناجا
- ۹- کاوه، محمد، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی، جلد اول، تهران، نشر جامعه‌شناسان
- ۱۰- گل محمدی خامنه، علی، (۱۳۸۵)، مدیریت پیشگیری از جرم، تهران، انتشارات معاونت آموزش داغا
- ۱۱- -----، (۱۳۸۲)، مبانی امور انتظامی (2)، معاونت آموزش ناجا، چاپ دوم.
- ۱۲- -----، (۱۳۸۳)، پیشگیری از جرائم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی، چاپ اول.
- ۱۳- معظمی، شهلا، (۱۳۷۹)، نهمین کنگره سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین، نشریه امنیت، سال چهارم شماره نهم و دهم
- ۱۴- محمد نسل، غلامرضا، (۱۳۸۷)، پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا

- ۱۵- میرخلیلی، سید محمود .، (۱۳۸۱)، پیشگیری وضعی از بزه‌کاری با نگاه به سیاست جنایی اسلام، پایان نامه دوره دکتری حقوق جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران با راهنمایی جناب آقای دکتر سید محمد حسینی.
- ۱۶- وروایی، اکبر، (۱۳۸۴)، پلیس جامعه محور، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا
- ۱۷- مجموعه مقالات پیش‌گیری از جرم، (۱۳۸۲)، جمعی از نویسندگان، مرکز مطبوعات و انتشارات، تهران
- ۱۸- اداره حقوقی فرماندهی انتظامی استان سمنان، (۱۳۸۶)، کتابچه پلیس و امنیت اجتماعی، ، نسیم.

### ب) غیر فارسی

- 1\_ Brodeur, Jean-Paul , (2007); Trust and Expertise in Policing; paper Prepared for delivery in the ICPC's Seventh Annual Crime Prevention Colloquium. Oslo, Norway, November 8-9, 2007;  
www.crime-prevention-intl.org Obtained from:
- 2\_ Capobianco, Laura (2007), Public- Private-Community Action towards Safety: A Focus on Housing in Disadvantaged Neighborhoods, International Center for the Prevention of Crime,  
www.crime-prevention-intl.org Obtained from
- 3\_ Department of Justice of South Australia, Fact Sheet C (2007). Problem Solving Approach in Crime Prevention. Department of Justice, South Australia, Crime Prevention Unit. obtained from:  
www.cpu.sa.gov.au
- 4\_ Department of Justice of South Australia, Fact Sheet D (2007). Market Reduction Approach in Crime Prevention. Department of Justice, South Australia, Crime Prevention Unit. obtained from:  
www.cpu.sa.gov.au